

## (موازنه حاکم مشروطه - با حاکم استبداد)

(آقای مصدق السلطنه - ایالت فارس)

حاکم عصر استبداد مسئول پادشاه یا صدر اعظم زمان خویش بود و بموجب چنین مسئولیتی طرق و شوارع را امن نگاه داشته مالیات دولت را پرداخته با رعایای قلمرو حکومت خود طوری سلوک میکرد که مبادا فریاد استغاثه و آوازه تظلم آنان بگوش شاه برسد .

حاکم استبداد بواسطه اینکه هر سال مبلغ هنگفتی باسم پیشکشی صدر اعظم و پادشاه وقت میداد و حقوق حکومتی هم برای او منظور نبود از رعایا و کسبه و تجار ناگزیر جرمانه و رشوه میگرفت ولی حد اکثر این جرمانه با پیشکشی پنجاه تومان نهایت صد تومان بود اما حاکم مشروطه . این گریه سیاه خونخوار که تکیه گاه او نفوذ اجنبی است و سند لیاقتش خیانت و جنایت ، در پیشگاه شاه و ملت و وجدان مسئول نیست ، باسم حقوق و بودجه حکومتی ماهیانه مبلغی هنگفت از بیت المال مسلمین غارت میکند .

برای ناامنی طرق و شوارع دزد ایجاد نموده و باسم جلوگیری از آنان راه استفاده دیگری در مالیه تحصیل مینماید . جرمانه و پیشکشی که از رعایا میگیرد حد اقلش هزار تومان و حد اکثرش لایتناهی است باسم تعمیر عمارات دولتی هر سال مبلغی زیاد از مالیه میریاید ، با محکمترین ارزاق شریک است . با دزدان گردنه همدست است . از رهنان ادارات مهم است . جمع دزدان

ازمانی که در این روزها  
مورثی  
وزارت آموزش و پرورش

باسم نایب‌الحکومه بیلوکات فرستاده از هر يك مبلغی رشوه دریافت نموده و باسم حقوق آنان مبلغ هنگفتی برانبان آز خود اضافه میکند. حاکم مشروطه در یکسال باندازه پنجاه سال حاکم استبداد ستمکاری و خیانت نموده و بیش از صد سال وی اموال مردم را در کیسه حرص خود مرکزیت میدهد. این دعوی برهانی است و اعمال حکام دوره مشروطیت بر او برهان محسوس است.

از اینرو حق دارند اگر توده ملت در ایالات و ولایات آرزوی آسایش عصر استبداد را میکشند اما از این نکته غفلت ورزیده اند که هنوز مشروطیت در این مملکت قدم ن گذاشته و آزادی جز بقهقری سیر نکرده و حکام مشروطه همان استخوانهای پوسیده و عظام نخره دخمه استبداد که تا دیروز برای استبداد فداکاری میکردند امروز تغییر لباس داده خود را حاکم مشروطه معرفی نموده اند.

برای حاکم مشروطه نمیتوان مصداق و مثلی پیدا کرده مگر آقای مصدق السلطنه حکمران کنونی فارس این مرد دانشمند از نخست روزیکه بر مسند اداری نشسته تا کنون که بر مقام ایالت رسیده باتفاق دوست و دشمن همواره مسئولیت خور را در پیشگاه وجدان مدلل داشته دزدان اجتماعی را از هر طبقه و خانواده محکوم نموده گرچه در کابینه سابقه برخی از همان دزدان برخلاف تمام قوانین عالم با ارتقاء رتبه بکار مشغول شدند ؟ ؟ ؟

این من دانا همواره بواسطه سعی و عمل و درستکاری راه تعالی

پیمود و هیچگاه بدسته‌بندی و پارتی بازی و رشوه دادن و گرفتن و تکیه باجیبی نمودن زمام هیچکار را درست نگرفته .

این مرد قابل در نخستین قدم والی گری خود مبرهن داشت که برای انباشتن کیسه نه بلکه برای اصلاح و آسایش يك ایالت بزرگ فداکاری بمیان بسته این مرد مقدس تمام خرج تراشیهای بیهوده را از فضای حوزه حکومت دور افکند و مصداق حاکم مفروطه را بتمام ایران نشان داده و خواهد داد .

پس از آنکه توده ملت ایران نمونه حکومت مفروطه را در فارس دیدند و مردمان آسایش ندیده لذت راحت را چشیدند اگر همگی از پیشگاه دولت چنین حکومت و حکمرانی برای خود خواستار شوند آیا میتوانند یافت ؟ ؟

در طبقات اعیان که تاکنون حکمرانی کرده‌اند مسلم نه ، اما ممکن است در غیر این طبقه نمونه این مرد بزرگ یافت شود در خاتمه با اینکه ماتم امورات کشوری و لشکری پارس را ازلیاقت و بی غرضی این یگانه مرد دانشمند اصلاح شده تصور مینمائیم . نسبت بدوکار اظهار علاقه مندی نموده و امیدواریم زود تر از همه بشارت اصلاح و اتمام آنرا بشنویم .

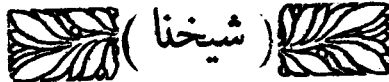
اول - لطمات و خساراتیکه بداره جریده شریفه گلستان از طرف انبوهی دشمنان اسلام و معارف و علوم متوجه گردید ، و چنان بوستان پر از گلهای حقیقت و ازهار و اثمار علوم و معارف از دم سردی مشتی سرخرهای بوستان بشری گرفتار خزان شد امید است

که بزودی جبران گردیده و آن گرامی نامه آزاد ملی توانا کرده تا بیشتر بوظیفه معارف پروری و اسلام پرستی جلی خود پردازد

دوم - بشهادت تمام جرائد شیراز و اغلب از محترمین و موثقین فارس بمن السلطنه نامی که مدعی العموم عدلیه فارس است مرتکب بزرگترین جنایت اجتماعی گردیده و برای پیشرفت اغراض خود خواسته است دامن پاک از آرایش ( آقای حاجی آقا جیبی ) اصفهانی که چندین سال در اصفهان و شیراز بی غرضانه در محاکم حقوق و استیناف حافظ حقوق بیچاره گان و مظلومین بوده بتهمت آلوده نماید .

این گناهی است غیر قابل عفو و اغماض و اکنون وقت فرا رسیده که در سایه تخصص اداری و قانون شناسی و بیقرضی آقای مصدق السلطنه هر کس خائن و جانی است در محکمه تحقیق و عدالت محکوم و مثل سایر دزدان که در تهران محکوم فرموده اند و همه کس همیشه آنانرا جز يك دزد اجتماعی نمیشناسد بمقام مت معرفی فرموده بکیفر گناه خویش برسانند .

(وحد)



خاست ازجا کوفت با افشاند دست  
صد حب تریاک و سی قرص حشیش  
طرقه معجوننی است بل شیئی عجاب  
چون شتر آویخت ازلب ششقه

شیخنا گردید از تریاک مست  
بگذراند از روزن واقور خویش  
شیخ و بنک و باده و تریاک ناب  
عربده زن شد زبان پر لقاچه